

## تعهدات متبایعین در بیع از منظر فقه شیعه با تطبیق بر قانون تجارت ایران و مصر

سعید شرف الدین طباطبایی<sup>۱</sup>، سید محسن رزمی<sup>۲</sup>، مصطفی رجائی پور<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

<sup>۲</sup>استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

<sup>۳</sup>استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

نویسنده مسئول: razmi0109@mshdiau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۱۶ / تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۹

### چکیده

اگر بیع در تعریف فقهی و حقوقی آن به معنای مبادله کالایی در برابر عوض معینی موردنظر باشد، باید توجه داشت که بخش مهمی از جابه‌جایی به صورت‌های مختلفی است که با وجود این مهم و انعقاد عقد مستلزم قواعد و مقرراتی است که باید در عرصه‌های علمی مورد توجه قرار گیرد در پژوهش حاضر ضمن بیان تعهدات بایع و مشتری بیان می‌شود که طبق نظام حقوقی هر کشوری در سیستم حقوقی خود قواعدی را در جهت استحکام و اعتبار عقود وضع نموده است که بر اساس آن متعاقدين ملزم به ایفا تعهدات فیما بین می‌باشند. التزامات هر یک از طرفین معین گردیده و ضمانت‌های اجرایی برای انجام تعهدات در نظر گرفته شده است. آنچه در این راستا اهمیت زیادی دارد قواعدی است که متخلف را وادار می‌نماید که به ایفا تعهد پرداخته و یا از عهده خسارات وارده به متعهدله برآید. با استفاده از روش توصیفی با رویکرد تطبیقی به بررسی قوانین تجارت دو کشور متمم پرداخته است. نتایج حاصل از این پژوهش اینگونه بیان می‌دارد با انجام عقد یکسری تعهداتی بر عهده طرفین به وجود می‌آید که ناگزیر به رعایت آن هستند که در هر دو قانون نگاهی یکسان به این تعهدات دارند، تعهداتی از قبیل تحویل ثمن و مضمن، تحویل اسناد هر دو و... می‌باشد. با توجه به بررسی نظام‌های حقوقی ایران و مصر می‌توان گفت که ضوابط هر دو بسیار قدیمی است و در بعضی موارد با مقتضیات روابط خصوصی بین‌المللی امروزه سازگاری ندارد و می‌توان گفت رویه قضایی ایران در موضوع اجرای احکام خارجی در مقایسه با نظام حقوقی مصر به دلیل عدم تعامل دادگاه‌های ایران با سایر دادگاه‌های بین‌المللی دارای نقص می‌باشد.

**کلیدواژه:** بیع، بایع، مشتری، قانون تجارت ایران، قانون تجارت مصر، تعهدات متبایعین، فقه شیعه

### مقدمه

یکی از ضروریات بشر در جامعه امروزی بیع می‌باشد. بیع عبارت است از جابجایی مالی با مال دیگر که از احکام امضایی شرع مقدس است در اصطلاح حقوقی معنای آن از معنای لغوی آن جدا نیست آن عبارت است از قرارداد یا عقدی است که به موجب آن شخصی، مالی را در ازای مال دیگر به شخص دیگری واگذار کند به نحوی که مالک مال (فروشنده)، مالکیت کالای خود را در مقابل پول یا مالی که دریافت می‌کند به طرف مقابل (خریدار) انتقال دهد و طرف نیز در مقابل دریافت کالا، پول یا مال خود را به فروشنده بدهد. این مهم دارای ارکانی است که می‌توان اشاره به طرفین (بایع، مشتری) مضمن، ثمن کرد. در پژوهش حاضر با عنوان تعهدات متبایعین در بیع از منظر فقه شیعه با تطبیق بر قانون تجارت ایران و مصر ضمن بیان تعهدات بایع و مشتری و ضمانت‌های اجرایی این تعهدات که شامل فسخ، خیار فسخ، غرر و... نیز بیان می‌شود که طبق نظام حقوقی هر کشوری در سیستم حقوقی خود قواعدی را در جهت استحکام و اعتبار عقود وضع نموده است که بر اساس آن متعاقدين ملزم به ایفا تعهدات فیما بین می‌باشند. التزامات هر یک از طرفین معین گردیده و ضمانت‌های اجرایی برای انجام تعهدات در نظر گرفته شده است. آنچه در این راستا اهمیت زیادی دارد قواعدی است که متخلف را وادار می‌نماید که به ایفا تعهد پرداخته و یا از عهده خسارات وارده به متعهدله برآید. در بعد بین‌المللی، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا مصوب ۱۹۸۰ وین یکی از مهمترین کنوانسیون‌هایی است که با اقبال بسیاری از کشورهای جهان روبرو شده و قواعد خاصی را در زمینه‌های مختلف انعقاد قرارداد، تعهدات بایع و مشتری و آثار ناشی از نقض تعهدات هر یک از آنان وضع نموده است. از آنجایی که جامعه مدنی و حقوقی ایران به‌عنوان یکی از اعضای جامعه جهانی ناگزیر از روابط اقتصادی و بازرگانی با سایر کشورهاست، بررسی و مقایسه قواعد مربوط به عقد بیع با سیستم‌های حقوقی دنیا و به‌ویژه کنوانسیون مذکور اهمیت فراوانی دارد. در این مقایسه مشاهده می‌شود که در زمینه تعهدات بایع و مشتری، مشابهت‌های فراوانی در هر دو سیستم وجود دارد. در بخش

مربوط به آثار ناشی از نقض تعهدات، علیرغم مشابهت‌های فراوان در هر سیستم برخی ضمانت‌های اجرایی در کنوانسیون مشاهده می‌شود که در حقوق ایران وجود نداشته ولی پذیرش آنها نیز با مبانی فقهی و حقوقی ایران منافاتی ندارد. در ضمن پژوهش التزامات بایع که در متون ذکر شده است تسلیم مبیع (تعریف و مبنا و کیفیت و اقسام مبیع، موضوع تسلیم و زمان و مکان و هزینه‌های تسلیم و احکام عدم تسلیم) می‌باشد. انتقال مالکیت کالا، تسلیم اسناد مربوط به کالا، مطابقت کالا طبق قرارداد، مصونیت کالا از ادعای ثالث؛ و همچنین از الزامات مشتری می‌توان به تسلیم ثمن و تعهدات ناشی از آن می‌توان نام برد. قانون مدنی مصر ضمن بیان شرایط و اوضاع احوال مبیع و ثمن در ذیل مواد ۴۲۸ الی ۶۴۶ به بیان تعهدات و الزامات بایع و مشتری پرداخته است. مشخص کردن تعهدات طرفین عقد بیع در فقه و حقوق ایران و مصر و بیان روابط مشترک و متفاوت بین آنها و بیان ضمانت اجرای آنها و ایجاد همسان‌سازی این نظام‌ها در بعد بین‌المللی و تفسیر آنها با توجه به ایجاد روابط اقتصادی بین اقشار مختلف جامعه جهت رشد و بالندگی می‌باشد از بیان موارد بالا هدف و ضرورت پژوهش ما مشخص می‌شود.

### ماهیت تعهد

ماهیت تعهد، «اثر حقوقی» است که از منابع متعددی نظیر عقد، ایقاع، قانون یا عمل حقوقی و دیگری پدید می‌آید و در ذات و جوهر آن تکلیفی نهفته است که تا زمان معتبر بودن منبع تعهد، آن نیز واجب و الزام آور است. هر چند در پاره‌ای موارد ممکن است منبع تعهد خود ماهیتاً رابطه یا توافقی جایز و قابل فسخ باشد و اگر چه تعهد نیز همواره تابع سبب و علت خود هست، اما این تلازم و تبعیت با الزام آور بودن تعهد منافاتی نخواهد داشت. این عدم تفکیک بین دو مفهوم عقد و تعهد سبب شده است که برخی از حقوقدانان با توجه به ظاهر پاره‌ای از مواد قانون مدنی چنین مقرر کنند که لزوم و الزام آور بودن از عناصر اصلی تعهد تلقی نمی‌شود. اولاً به دلیل اینکه قرارداد که خود یکی از منابع مهم تعهد است در تعریف تعهد گنجانده شده که عیب این امر روشن است. ثانیاً این تعریف فقط جنبه‌ای از تعهد را که متوجه متعهدله است را بیان می‌کند. عبارتی این تعریف حاکی از حقی است که برای متعهدله حاصل می‌شود نه التزام و تکلیفی که برای متعهد ایجاد می‌شود. از آنچه گفتیم به خوبی روشن است که به واقع عقود و قراردادهای و برخی از منابع تعهد هر کدام یک رابطه حقوقی خاصی تلقی می‌شوند که تعهد مولود و زائیده آن رابطه حقوقی است و از میان هر یک از این روابط حقوقی اثری بوجود می‌آید که بدان تعهد یا التزام گفته می‌شود.

### انواع تعهدات

تقسیم‌بندی‌های گوناگونی به اعتبار منشاء و آثار و ماهیت تعهد بعمل آمده است. دو نمونه از مهم‌ترین تعهدها، تعهدات مدنی و تعهدات تجاری هستند.

### تعهدات تجاری

در قانون تجارت برای تمییز تعهدات تجاری از تعهدات مدنی، در موارد ۲، ۳، ۴ به تعریف معاملات و بازرگانی و اعمال بازرگانی پرداخته است. این شیوه تقریباً می‌توان گفت در همه نظامهای حقوقی کشورها رعایت شده است و جهت تعیین حوزه قانون تجارت و آثار مترتب بر اعمال تجاری مورد توجه قرار گرفته است.

ماده ۲ ق.ت. معاملات تجاری را معرفی می‌کند. توجه به این نکته لازم است که ماده مذکور بین معاملات تجاری و فعالیت‌های تجاری تفاوتی قائل نیست؛ و این دو عمل تجاری را در یک ماده با هم مخلوط کرده است. لذا اصطلاح معاملات تجاری در مورد تمام بندهای دهگانه مذکور در ماده ۲ قانون تجارت صدق نمی‌کند بنابراین فعالیت‌های تجاری در حقیقت در عمل معامله تجاری محسوب نمی‌شوند.

ماده ۳ قانون تجارت نیز اعمالی را معرفی می‌کند که در صورتی که شخص تاجر آن اعمال را انجام دهد به تبع شخص تاجر اعمال مذکور نیز جزء معاملات تجاری محسوب می‌شود و ماده ۱ همان قانون تاجر را چنین معرفی می‌کند: «تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار دهد» و همانطور که گفتیم معاملات تجاری نیز در ماده ۲ احصاء شده است.

حال طبق ماده ۳ قانون تجارت که مقرر می‌دارد:

معاملات ذیل به اعتبار تاجر بودن متعاملین یا یکی از آنها تجاری محسوب می‌شود:

۱- کلیه معاملات بین تاجر و کسبه و صرافان و بانک‌ها.

۲- کلیه معاملاتی که تاجر با غیر تاجر برای حوائج تجاری خود می‌نماید.

۳- کلیه معاملاتی که اجزا یا خدمه یا شاگرد تاجر برای امور تجاری ارباب خود می‌نماید.

۴- کلیه معاملات شرکت‌های تجاری

بنابراین معاملاتی که توسط تاجر و در حدود ماده ۳ ق.ت. انجام می‌گیرد معاملات تجاری محسوب می‌شود و طبعاً مشمول احکام حقوق تجارت خواهد بود. نهایتاً برای تشخیص تعهدات تجاری از تعهدات مدنی باید به ضوابطی که قانون تجارت داشته است، مراجعه کرد و معاملات و عقود که بر مبنای

مقررات مواد ۱ و ۲ و ۳ و ۴ قانون تجارت منعقد می‌شود را عقد و تعهدات تجاری نامید. قانون تجارت ما بر خلاف سایر نظامهای حقوقی احکام و اصول خاصی تعهدات تجاری را بیان نکرده است؛ و از این جهت خلاء قانونی کاملاً محسوس است و این نظر را القاء می‌کند که با وجود تفاوت‌های عدیده‌ایی که بین احکام مربوط به این تعهدات وجود دارد، هنوز در ایران باید به نظریه وحدت حقوق مدنی و حقوق تجارت پایبند بود. در حال حاضر با گسترش روزافزون تعهدات تجاری و صنعتی شدن جوامع و از همه مهمتر از بین رفتن تاثیر بازار سنتی در سیاست اقتصادی کشور نیاز به احکام خاص قانون تجارت بیش از هر لحظه دیگری احساس می‌شود. خصوصاً اینکه قوانین مدنی نیز در قالب سنتی خویش پاسخگوی نیاز کلان اقتصادی حال حاضر نیست.

### تعهدات مدنی

قانون مدنی تعریف عقد را در معنای اعم خود ذکر کرده است. مع الوصف بنظر می‌رسد بهترین تعریف برای تعهدات مدنی، تعریف منفی باشد چرا که نمی‌توان تعریف جامع و کاملی در عین حال مثبتی از تعهدات مدنی بعمل آورد. لذا باید گفت: «تعهداتی که بموجب قانون تجارت جزء معاملات تجاری محسوب نمی‌شوند و از مصادیق مواد ۲ و ۳ و ۴ همان قانون نباشد، تعهدات مدنی هستند»<sup>۱</sup>

### آثار قرارداد بین طرفهای عقد

#### طرف قرارداد

تعریف - طرف قرارداد شخصی است که مال یا عمل (مثبت یا منفی) او و یا شخص او به‌عنوان موضوع رابطه حقوقی متقابل، در برابر دیگری، مورد عقد قرار می‌گیرد؛ مثلاً در عقد بیع، طرف قرارداد شخصی است که مال او مبیع و یا ثمن معرفی می‌شود و طرف عقد اجاره شخص یا جعاله، شخصی است که عمل او مورد عقد است یا شخصی است که مال او به‌عنوان دستمزد، مورد عقد واقع می‌گردد و در عقد نکاح، طرف عقد شخصی است که رابطه خاص حقوقی و اعتباری زوجیت، بین او و طرف دیگر عقد، محقق می‌گردد.<sup>۲</sup>

### تعهد اجرای مورد قرارداد

اثر اصلی قرارداد، پیدایش وظیفه قانونی بر اجرای عمل مثبت یا منفی مورد قرارداد، یعنی انجام یا ترک فعلی است که یکی از دو طرف در برابر دیگری یا هر دو طرف در برابر یکدیگر به عهده می‌گیرند. این وظیفه قانونی که در علم حقوق به آن تعهد گفته می‌شود. بنابراین متعهد باید آنچه را که برعهده گرفته است، اجرا کند و در صورت خودداری از اجرای تعهد، از راه‌هایی که قانون پیش‌بینی کرده است، به تقاضای متعهدله، اجبار به انجام تعهد می‌شود و یا این که تعهد به حساب و هزینه متعهد اجرا می‌گردد. (ماده ۲۲۰ و ۲۲۲ ق.م). در این میان، هرگاه در خودداری از انجام تعهد یا تأخیر در انجام آن، خسارتی به متعهد له وارد شود، متعهد ملزم به جبران آن خواهد شد. (مواد ۲۲۱ و ۲۲۶ به بعد ق.م؛ و ماده ۵۱۵ ق.آ.د.م).

### شرایط الزام متعهد به انجام تعهد

#### لزوم اجتماع شرایط

برای الزام متعهد به انجام تعهد قراردادی، اجتماع شرایطی لازم است و در صورت فقدان یکی از آنها الزام متعهد ناممکن خواهد بود. برخی از شرایط مربوط به امکان مادی الزام متعهد و گروهی دیگر مربوط به امکان حقوقی الزام متعهد است. این شرایط را که عبارت است از بقای قرارداد، امکان اجرای تعهد مثبت یا منفی، امکان الزام متعهد، مستقل بودن، فرارسیدن زمان اجرای تعهد، انقضای مدت و نیز تعدیل قرارداد و عدم استناد به حق حبس موجود، خودداری طرف دیگر از اجرای تعهد.

### مانع الزام به انجام تعهد

#### حق حبس

حق خودداری از اجرای تعهد تا اجرای تعهد طرف دیگر، حق حبس نامیده می‌شود. ماده ۳۷۷ ق.م. در این مورد مقرر می‌دارد: «هر یک از بایع و مشتری حق دارد از تسلیم مبیع یا ثمن خودداری کند تا طرف دیگر حاضر به تسلیم شود مگر این که مبیع یا ثمن مؤجل باشد در این صورت هر کدام از مبیع یا ثمن که حال باشد باید تسلیم شود.» به این ترتیب هر گاه هر یک از دو طرف از تسلیم مورد تعهد خود پیش از دیگری خودداری کند، اجرای همزمان

<sup>۱</sup> کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، ص ۴۵

<sup>۲</sup> شهیدی، مهدی، آثار قراردادها و تعهدات، ج ۳، ص ۲۳

تعهد طرفین، با دخالت دادگاه واقع می‌شود و مثلاً طرفین، مبیع و ثمن را در اختیار دادگاه قرار می‌دهند تا مرجع قضایی مبیع را به خریدار و ثمن را به فروشنده تسلیم کند.<sup>۳</sup>

### راههای الزام متعهد به انجام تعهد

#### الزام مالی

در تاریخ قضایی ایران، الزام مالی متعهد به اجرای تعهد، یا اجرای تعهد با دخالت مرجع قضایی، همواره ممکن بوده است (ماده ۴۶ ق.ا.ا.م.، ماده ۴۷ قانون اجرای احکام، ماده ۴۹ قانون اجرای احکام).

#### الزام بدنی

در گذشته در مواردی محدود بازداشت مدیون به وسیله مراجع قانونی تا ایفای دین، تجویز شده بود. این وضعیت هم‌اکنون طبق ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب دهم آبان ماه ۱۳۷۷، در مورد اشخاص محکوم به پرداخت مال یا ضرر و زیان ناشی از جرم یا دیه، موجود است و این اشخاص در صورت عدم تأدیه دین تا اثبات اعسار یا تأدیه بازداشت خواهند شد.<sup>۴</sup>

#### مبانی مسئولیت قراردادی:

وجود قرارداد یکی از مبانی مسئولیت قراردادی است؛ زیرا تا قراردادی بین طرف‌ها منعقد نشده باشد، مسئولیت قراردادی موضوعاً منتفی خواهد بود. البته منظور از قرارداد عقدی صحیح و معتبر است که بین متخلف از انجام تعهد و متعهد له منعقد شده است. چه این که عقد فاسد یا غیر نافذ وجود مؤثری در عالم حقوق ندارد تا بتواند زاینده اثر حقوقی باشد و مسئولیت عدم انجام تعهد به موقع را بر عهده متعهد قراردادی، تثبیت کند.<sup>۵</sup> مسئولیت قراردادی نتیجه تخلف از انجام قرارداد است، خواه تخلف مزبور خودداری از انجام تعهد باشد یا تأخیر در انجام تعهد نسبت به زمان مقرر برای آن.

#### تخلف از انجام تعهد قراردادی

تخلف متعهد از انجام تعهد قراردادی، یکی دیگر از مبانی مسئولیت قراردادی است. تخلف از انجام تعهد یا عدم اجرای به موقع تعهد، به دو گونه قابل تصور است؛ یکی اینکه پس از وقوع تخلف متعهد، انجام تعهد غیرممکن شود و دیگر اینکه با وجود تخلف مزبور، انجام تعهد باز هم ممکن باشد ولی انجام تعهد صرفاً به تأخیر افتاده باشد. در اصطلاح خاص، مسئولیت ناشی از نوع نخست تخلف از انجام تعهد، «مسئولیت عدم انجام تعهد» و گونه دوم «مسئولیت تأخیر در انجام تعهد» نامیده می‌شود.

#### شرایط مسئولیت قراردادی

##### گذشتن زمان اجرای قرارداد

برای پیدایش مسئولیت متعهد به جبران خسارت ناشی از تخلف در انجام تعهد قراردادی، لازم است مهلت اجرای قرارداد، سپری شده باشد و پیش از آن متعهدله حق مطالبه خسارت ندارد (ماده ۲۲۶ ق.م). به طور کلی زمان اجرای تعهد قراردادی به سه گونه مشخص می‌شود، با توافق طرف‌های قرارداد به هنگام عقد، به حکم عرف و یا با تعیین بعدی یکی از طرف‌ها یا شخص ثالث.

#### وابسته بودن حق مطالبه خسارت به گذشتن مهلت اجرای قرارداد

مطالبه خسارت ناشی از تخلف از انجام تعهد، در صورتی ممکن است که مهلت اجرای قرارداد سپری شده باشد.

<sup>۳</sup> شهیدی، مهدی، آثار قراردادها و تعهدات، ج ۳، ص ۴۲.

<sup>۴</sup> نجفی، شیخ محمدحسن، جواهرالکلام، ج ۹، ص ۱۹۳.

<sup>۵</sup> شهیدی، مهدی، آثار قراردادها و تعهدات، ج ۳، ص ۴۷.

<sup>۶</sup> بحث تفصیلی شماره ۱۱۶ و ۱۱۷.

### تعهدات فروشنده (از منظر تجارت ایران و مصر)

۱- در قانون تجارت مصر آمده: در صورتی که متعاقدين اتفاق کنند بر این که تعیین شکل مبیع یا حجم و اندازه مبیع و یا غیر از این موارد از اوصافی که مشخص کننده مبیع می باشد بر عهده مشتری است، بر مشتری واجب است بر تعیین شکل مبیع و یا در زمانی که بر آن اتفاق کردند و یا در مکان مناسب در صورتی که طرفین اتفاق کردند انجام شود و الا در غیر این صورت بر بایع جایز است که فسق بیع را درخواست کند و یا آن کالا را تعویض کند. هرگاه مقدار مبیع در عقد تعیین شده باشد، فروشنده ضامن هرگونه نقصان در مقدار مطابق عرف است مگر اینکه خلاف آن توافق شده باشد، بنابراین خریدار حق فسق عقد را به لحاظ نقصان مبیع ندارد مگر اینکه ثابت کند نقصان چنان مهم است که اگر از آن آگاه بود، عقد را نمی بست. قانون مدنی ایران (ماده ۳۸۴) مقرر می کند: هرگاه مبیع از حیث مقدار معین بوده و در وقت تسلیم کمتر از آن مقدار درآید، مشتری حق دارد بیع را فسخ کند یا قیمت موجود را با تأدیة حصه ای از ثمن به نسبت موجود قبول نماید و اگر مبیع زیاده از مقدار معین باشد زیاده مال بایع است.

۲- قانون تجارت مصر در (ماده ۹۳) می گوید: در صورتی که مکان تسلیم مبیع معین نشده باشد، بر بایع واجب است که کالا را به مجرد انجام عقد آنچه که مستلزم طبیعت مبیع می باشد تسلیم کند و یا عرف به تعیین مکان دیگری اقتضا کند. هر چیزی که بر حسب عرف و عادت جزء یا تابع مبیع شمرده شود، یا قراین دلالت بر دخول آن در مبیع نماید، داخل در مبیع و متعلق به مشتری است اگر چه در عقد صریحاً ذکر نشده باشد و اگر چه متعاملین، جاهل بر عرف باشند.

۱- هرگاه ثمن مبیع، موجّل باشد، فروشنده می تواند شرط کند انتقال مالکیت به خریدار موقوف به تأدیة کل ثمن باشد ولو مبیع تسلیم شده باشد.

۲- اگر پرداخت ثمن به اقساط باشد، متعاقدين می توانند توافق کنند که فروشنده جزیی از ثمن را به عنوان خسارت فسخ بیع در صورت عدم تأدیة کل اقساط نگه دارد.

۳- هرگاه کل اقساط تأدیة شوند، انتقال مالکیت مبیع به خریدار از تاریخ بیع محسوب می شود.

قانون مدنی مصر در (ماده ۴۳۵) می گوید:

۱- تسلیم، شامل قرار دادن مبیع در اختیار خریدار است به قسمی که بتواند آن را تصرف و بدون مانع استفاده کند، حتی اگر استیلائی مادی بر آن نداشته باشد مشروط بر اینکه فروشنده به خریدار اطلاع دهد مبیع در اختیار اوست، تسلیم مطابق طبیعت مبیع محقق می شود.

۲- در صورتی که مبیع پیش از بیع، در اختیار خریدار باشد یا فروشنده پس از بیع مبیع را به سببی غیر از مالکیت در اختیار خود نگه دارد، به مجرد تراضی متعاقدين تسلیم محقق می شود.

در قانون مدنی ایران (ماده ۳۷۳) آمده: اگر مبیع قبلاً در تصرف مشتری بوده باشد محتاج به قبض جدید نیست و همچنین است در ثمن.

قانون مدنی مصر (ماده ۴۳۷) می گوید: چنانچه مبیع قبل از تسلیم به سببی خارج از حیطة اقتدار فروشنده تلف شود، بیع منفسخ و ثمن به خریدار مسترد می گردد مگر اینکه تلف پس از اخطار فروشنده به خریدار جهت قبض مبیع صورت گرفته باشد و همچنین آمده است اگر مبیع قبل از تسلیم بدون تقصیر و اهمال از طرف بایع تلف شود، بیع منفسخ و ثمن باید به مشتری مسترد گردد، مگر اینکه بایع برای تسلیم به حاکم یا قائم مقام او رجوع نموده باشد که در این صورت تلف از مال مشتری خواهد بود.

قانون تجارت مصر در (ماده ۹۳) مقرر کرده: در صورتی که طرفین اتفاق کنند بر اینکه مشتری مکان تسلیم کالا را معین کند، بر بایع لازم است به تسلیم کردن کالا در آن مکانی که مشتری آن را تعیین کرده است، البته با مراعات مدت زمانی که طبیعت مبیع مستلزم آماده کردن برای تحویل و تسلیم کالا را داشته باشد. چنانچه ارزش مبیع پیش از تسلیم، به لحاظ فساد کاهش یابد اگر کاهش ارزش چنان شدید باشد که اگر پیش از وقوع عقد حادث می شد بیع واقع نمی شد، خریدار حق فسخ بیع یا قبول بیع، به ثمن کاهش یافته را دارد. اگر بایع بر تسلیم کردن مبیع به دفعات متعدداً اتفاق کرده باشد، در صورتی که بایع بر تسلیم کردن یکی از آن دفعاتی که در آن مکان باهم اتفاق کرده بودند اقدام نکند مشتری اجازه دارد که فسخ معامله رادخواست کند، و در صورتی که پرداخت بعضی از مبیع ضرر بزرگی بر مشتری مترتب شود فسخ سرایت می کند بر دفعاتی که تسلیم کردن مبیع کامل شده باشد. هرگاه ثمن در زمانی که بر آن اتفاق شده پرداخت نشود، بایع به فروش قسمتی از مبیع به غیر اجازه دارد البته بعد از معذور بودن مشتری به برگرداندن آن، و اگر از روی حسن نیت به ثمن کمتر از مقدار اتفاق شده بین متعاقدين فروخته شود بایع حق دارد آن مقدار اختلافی بین دو ثمن را از مشتری درخواست کند، و در صورتی که برای قسمتی از مبیع قیمت معلوم و مشخصی در بازار باشد بایع می تواند- اگر چه به برگرداندن بیع فعلاً اقدام نکرده - از مشتری مطالبه کند مقدار اختلافی بین ثمنی که متعاقدين بر آن اتفاق کردند و قیمت قسمتی از مبیع در بازار، آن هم قیمت روزی را که برای پرداخت ثمن معین شده بگیرد.

### تعهدات خریدار:

۱- ثمن باید در محلی که مبیع تحویل شده است پرداخت گردد، مگر اینکه توافق یا عرف خلاف آن را مقرر کرده باشد.

۲- هرگاه ثمن در زمان تحویل مبیع قابل پرداخت نباشد، پرداخت ثمن باید در محل اقامت خریدار و در موعد مقرر صورت گیرد.

قانون تجاری ایران در (ماده ۳۹۴) آورده:

مشتری باید ثمن را در موعد و در محل و بر طبق شرایطی که در عقد بیع مقرر شده است تأدیه نماید.

۱- ثمن باید در موعد تحویل مبیع پرداخت شود، مگر اینکه توافق طرفین و یا عرف خلاف آن را مقرر کرده باشد.

۲- هرگاه شخص ثالثی به استناد حق سابق نسبت به بیع یا فروشنده مزاحم استفاده خریدار گردد و یا اگر بیم خلع ید از خریدار وجود داشته باشد، خریداری تواند در صورتی که شروط عقد مانع اونا باشد از حق حبس ثمن استفاده کند تا مزاحمت رفع یا خطر زایل گردد، بنابراین در چنین حالتی فروشنده می تواند پرداخت ثمن را در قبال ارائه ضامن مطالبه کند.

۳- منافع و نمائات مبیع از زمان بیع، از آن خریدار است و هزینه متعلق به مبیع از آن تاریخ نیز بر عهده اوست، مگر اینکه توافق و یا عرف خلاف آن را مقرر کرده باشد.

هرگاه کل یا بعضی ثمن، حال باشد فروشنده می تواند مبیع را تا وقتی که ثمن مربوط را دریافت نکرده نگه دارد حتی اگر خریدار وثیقه یا تضمین بدهد، این حق حبس وقتی است که فروشنده بعد از بیع مهلتی به خریدار نداده باشد. هرگاه مبیع در ید فروشنده و در زمانی که از حق حبس استفاده می کرده است از بین برود، خریدار ضامن زیان است مگر اینکه مبیع در نتیجه عمل فروشنده از بین رفته باشد. هزینه های سند بیع، تمبر، ثبت سند و سایر هزینه ها به عهده خریدار است مگر اینکه توافق و یا عرف خلاف آن را مقرر کرده باشد. هرگاه توافق طرفین یا عرف، مکان و یا زمانی برای تسلیم تعیین نکرده باشد خریدار باید ثمن را در مکانی که مبیع در زمان بیع قرار داشته است پرداخت و آن را بلافاصله منتقل کند، مگر اینکه انتقال آن زمان مقتضی را بطلد.

۱- قانون مدنی ایران (ماده ۳۷۷) مقرر می کند: هر یک از بایع و مشتری حق دارد از تصمیم مبیع یا ثمن خودداری کند تا طرف دیگر حاضر به تسلیم شود، مگر اینکه مبیع یا ثمن موجب باشد در این صورت هر کدام از مبیع یا ثمن که حال باشد باید تسلیم شود.

۲- هرگاه عرف و عادت از بابت مخارج معامله یا محل تسلیم برخلاف ترتیبی باشد که ذکر شده و یا در عقد برخلاف آن شرط شده باشد باید بر طبق متعارف و یا مشروط در عقد رفتار شود و همچنین متبایعین می توانند آن را به تراضی تغییر دهند.

۳- مخارج تسلیم مبیع از قبیل اجرت نقل آن به محل تسلیم، اجرت شمردن و وزن کردن و غیره به عهده بایع است و مخارج تسلیم ثمن به عهده خریدار است. مطابق ماده ۳۰ کنوانسیون، تعهدات اصلی فروشنده عبارتند از: ۱- انتقال مالکیت کالا، ۲- تسلیم کالا، ۳- تسلیم اسناد مربوط به کالاها. اما در ادامه کنوانسیون و در مواد ۳۵ و ۴۱، تعهدات دیگری نیز بر فروشنده بار شده که عبارتند از: مطابقت کالا و مصونیت کالا از ادعای ثالث.

#### محورهای مورد بحث:

الف- انتقال مالکیت کالا.

ب- تسلیم کالا.

ج- تسلیم اسناد مربوط به کالا.

د- مطابقت کالا.

ه- مصونیت کالا از ادعای ثالث.

#### الف- انتقال مالکیت کالا

ابتدا باید خاطر نشان شد که علت وضع این مقرر تفاوت فاحش نظام های حقوقی مختلف در رابطه با مسئله انتقال مالکیت کالا بوده است. بدین ترتیب که در برخی نظام های حقوقی، صرف عقد قرارداد باعث انتقال مالکیت می شود؛ مانند نظام حقوقی کشورمان، اما برخی نظام های دیگر تعیین زمان انتقال مالکیت یا تسلیم مبیع را شرط انتقال مالکیت دانسته اند. در نتیجه کنوانسیون حاضر با اتخاذ این مقرر به گونه ای راه نظام کامن لا که در آن صرف قرارداد منتقل مالکیت نیست را پیش گرفته و فروشنده را ملزم می نماید که به انتقال مالکیت کالا مبادرت ورزد. البته این امر به دلیل برتر بودن راهکار آن نظام نمی باشد بلکه برخاستن از محدودیت ها و مسائل عملی پیرامون حمل و نقل و فروش کالا در تجارت بین المللی می باشد. بدین صورت که در بسیاری از قراردادهای فروش، کالا در واقع کلی فی الذمه است. برای مثال ممکن است فروشنده ۴۰۰ تن گندم به خریدار فروخته باشد و بار او که شامل ۲۰۰ تن گندم است توسط دو کشتی باری به سوی بندر مقصد در حرکت است؛ بنابراین از آنجایی که مبیع هنوز تعیین نیافته، نمی توان مالکیت آنرا انتقال داد و تنها تعهد این انتقال بر دوش فروشنده باقی خواهند ماند. بعلاوه، در حمل و نقل کالا در تجارت بین الملل و در عرف حمل و نقل دریایی نکته حائز اهمیت، ضمان معاوضی بوده و نه مالکیت؛ یعنی ممکن است نقطه انتقال مالکیت و انتقال ضمان معاوضی برای کالایی واحد دو زمان و مکان مجزا باشد و از میان این دو نقطه انتقال ضمان معاوضی مهمتر است. چرا که در صورت تلف کالا، صاحب ضمان معاوضی عهده دار پرداخت خسارت می باشد، سوای اینکه مالکیت کالا مربوط به چه کسی می باشد.

### ب- تسلیم کالا

همانطور که ذکر آن رفت، از آنجایی که انتقال ضمان معاوضی در تجارت بین المللی از اهمیت بالایی برخوردار است و از آنجایی که در بسیاری از موارد این انتقال با تسلیم مبیع صورت می گیرد، تسلیم کالا اهمیتی دو چندان می یابد. حتی اگر شرایط فوق وجود نداشت، اهمیت تسلیم کالا بر کسی پوشیده نیست. چرا که خریدار بدون در دست داشتن کالا، سلطه محکمی بر آن ندارد و نمی تواند اراده خود را به نحو کافی و وافی بر مال خویش تحمیل نماید. بدین ترتیب، کنوانسیون مواد متعددی را به ذکر شرایط تسلیم اختصاص داده که ذیلاً مورد مذاکره قرار خواهد گرفت. ابتدائاً به محل تسلیم از نظر کنوانسیون خواهیم پرداخت: در خصوص تسلیم کالا ماده ۳۱ کنوانسیون بیان می دارد: در صورتی که بایع مکلف به تسلیم کالا در محل معین دیگری نباشد، تعهد او به تسلیم، به شرح ذیل است:

الف) چنانچه قرارداد بیع متضمن حمل کالا باشد، تعهد به تسلیم عبارت است از تحویل کالا به اولین مؤسسه حمل و نقل جهت ارسال به مشتری، (ب) در مواردی که مضمول قسمت (الف) نباشد، چنانچه قرارداد راجع به کالای معین با کالای کلی از انبار معین با کالای کلی که باید ساخته یا تولید شود، بوده و طرفین نیز در زمان انعقاد قرارداد اطلاع داشته اند که کالا در محل معینی قرار دارد یا باید در محل معینی تولید یا ساخته شود، تعهد به تسلیم عبارت است از قراردادن کالا در اختیار مشتری در همان محل معین،

ج) در سایر موارد، تعهد به تسلیم عبارت است از اینکه بایع کالا را در محلی که در زمان انعقاد قرارداد محل تجارت او بوده، در اختیار مشتری قرار دهد. همانطور که مشاهده نمودیم و با منطبق حقوقی موافق می باشد، تعیین محل تسلیم ابتدائاً بر دوش طرفین قرارداد شده، اما در صورت عدم وجود این توافق کنوانسیون راهکارهایی را برای تعیین محل تسلیم ارائه می دهد.

بخش اول ماده ما نحن فیه، اشاره به تمام مواردی دارد که حمل کالا ضمن قرارداد بیع مورد توافق قرار گرفته است. در این دسته از موارد، کنوانسیون با تعیین اولین مؤسسه حمل و نقل که فروشنده کالا را به آن برای رسانیدن به مشتری تحویل می دهد، به حل مشکل پرداخته است. البته باید توجه داشت که حمل و نقل کالا و رسانیدن آن به دست مشتری ممکن است توسط یک یا چند شرکت حمل و نقل و یا وسایل نقلیه خود فروشنده یا خریدار و یا ترکیبی از اینها انجام شود. مبرهن است که مقرر فوق تنها در حالتی مجزا است که مؤسسه حمل و نقل متعهد رساندن کالا به مشتری گردد؛ و البته لازم نیست که این مؤسسه، از ابتدا به حمل این کالا بپردازد. بلکه ممکن است مثلاً حمل و نقل زمینی توسط فروشنده انجام شود و سپس برای حمل دریایی به مؤسسه حمل و نقل سپرده شود. ملاک مهم در این زمینه وجود مؤسسه حمل و نقل در پروسه حمل کالا و رسانیدن آن به دست مشتری بوده و در صورت تعدد این دست موسسات، اولین مؤسسه به عنوان محل تسلیم کالا شناخته می شود. اگر طرفین مطلع از محل وقوع، نگهداری و یا محلی که «مؤسسه حمل و نقل» در صورت عدم وجود عنصر قرار است کالا در آن ساخته شود باشند. آن محل به عنوان محل تسلیم شناخته می شود. مبرهن است که چنین مکانی عموماً کارخانه یا انبار فروشنده می باشد؛ بنابراین می بینیم که کنوانسیون در صورت عدم وجود توافق خاص کمترین میزان تعهد نسبت به محل تسلیم را بر فروشنده بار نموده است. این امر با توجه به قسمت سوم ماده ۳۱ واضح تر می شود. مقرر مذکور محل تجارت فروشنده را در تمامی فرض دیگر به عنوان محل تسلیم انتخاب می نماید. این امر که آیا منظور از محل تجارت، کارخانه و یا دفتر مرکزی یک شرکت است، موضوعی مهم و البته خارج از بحث حاضر است که باید در جای خود پیگیری شود. در خصوص زمان تسلیم، کنوانسیون در ماده ۳۳ بیان می دارد: بایع مکلف است در مواد زیر کالا را تسلیم نماید:

الف) چنانچه در قرارداد تاریخی تعیین شده، یا براساس آن تاریخی قابل تعیین باشد، در همان تاریخ،

ب) چنانچه در قرارداد، مدتی معین شده یا براساس آن مدتی قابل تعیین باشد، ظرف مدت مزبور مگر اینکه اوضاع و احوال حاکی از این باشد که تعیین تاریخ مشخص در خلال مدت مزبور با مشتری است.

ج) در سایر موارد، ظرف مدت معقولی پس از انعقاد قرارداد.

همانطور که ذکر آن رفت، اهمیت تسلیم کالا در تجارت بین الملل به نحوی است که کنوانسیون مواد متعددی را به آن اختصاص داده است. از جمله این مواد، ماده ۳۳ می باشد که ذکر شد. این ماده اختصاصاً در باره زمان تسلیم بحث نموده و شرایطی را مقرر می دارد. واضح است که توافق فروشنده و خریدار نسبت به تاریخ تسلیم یا تعیین مدتی برای تسلیم، اعم از اینکه در قرارداد صراحتاً یا ضمناً ذکر شده باشد و یا به عهده مشتری گذارده شده باشد، مرجح است. اما در صورت عدم تعیین تاریخ یا مدت تسلیم، کنوانسیون با ارجاع نمودن امر به عرف و رویه تجاری «مدت معقول» را ملاک زمان تسلیم تعیین می کند. در ماده ۳۳ کنوانسیون راجع به زمان تسلیم مبیع اذعان میدارد که بایع مکلف است در مواعید زیر کالا را تسلیم نماید: الف) چنانچه در قرارداد تاریخی تعیین شده، یا براساس آن در همان تاریخی که قابل تعیین باشد. ب) چنانچه در قرارداد، مدتی معین شده یا بر اساس آن مدتی قابل تعیین باشد، ظرف مدت مزبور مگر اینکه اوضاع و احوال حاکی از این باشد که تعیین تاریخ مشخص در خلال مدت مزبور با مشتری است ج) در سایر موارد، ظرف مدت معقولی پس از انعقاد قرارداد. لذا به منظور تطبیق شرایط مقررات کنوانسیون با قانون ایران ذیلاً موارد را تحلیل می نمایم: شایع ترین زمان تسلیم مبیع از منظر مقررات کنوانسیون آن است که طرفین قرارداد موعد تعهد تسلیم مبیع را تصریحاً در قرارداد قید نموده باشند و یا اینکه براساس توافقات طرفینی، زمان قابل تعیین باشد. در مقام تطبیق مستند به صدر ماده ۳۴۴ ق.م. قانونگذار ایران نخستین فرضی را که در خصوص زمان

تسلیم مبیع در نظر گرفته، تعیین تاریخ انجام تعهد در موعدی معین است که این موضوع از مفهوم مخالف صدر ماده صدرالاشاره استنباط میگردد. فلذا هر دو مقررات ناظر به این است که طرفین می‌توانند ضمن قرارداد، زمانی را برای انجام تعهد معین نمایند و در صورتیکه از مفاد قرارداد تلویحاً زمانی قابل تعیین باشد می‌توان آن را زمان انجام تعهد با بیع محسوب کرد. لیکن مورد بند ب که مقرر شده «در صورتیکه ضمن قرارداد، مدتی معین شده یا قابل تعیین باشد مگر اینکه مطابق اوضاع و احوال تعیین تاریخ بر عهده مشتری بوده است» این موضوع مستفاد از م ۲۲۶ و ماده ۳۴۱ ق.م با قواعد حقوقی ایران قابل تطبیق است زیرا قانونگذار ایرانی پیش بینی نموده که طرفین می‌توانند مدتی را برای انجام تعهدات با بیع در قرارداد، معین نمایند و یا اختیار تعیین زمان انجام تعهد بر عهده مشتری سپرده شود؛ اما در فرضی که بیان داشته در صورت عدم تعیین زمان، تسلیم مبیع ظرف مدت معقولی پس از انعقاد قرارداد انجام خواهد شد مبیع در عقد، حال اطلاق شده و تعهد با بیع مبنی بر تسلیم مبیع فوری است. این در حالیست که در حقوق ایران مطابق ماده ۳۴۴ ق.م اجلی برای تحویل مبیع در عقد تعیین نشده باشد در آن صورت فروشنده مکلف به تسلیم مبیع به خریدار است و نباید از حدود متعارف خارج شود؛ بنابراین در مورد زمان تسلیم کالا نیز میان حقوق ایران و مقررات کنوانسیون بین المللی تفاوتی وجود ندارد. تنها، گفتن دو نکته در این خصوص لازم به نظر می‌رسد: البته عرف و عادت که ماده ۳۴۴ ق.م بدان اشاره شده در مقررات کنوانسیون لحاظ نشده و از طرفی مفاد م ۳۷ کنوانسیون ناظر به تسلیم کالا قبل از موعد از سوی مقتن ایرانی پیش بینی نگردیده است. البته با مستفاد از م ۲۲۶ ق.م بلحاظ جبران خسارت میتوان تفسیر نمود که مقررات ماده ۳۷ کنوانسیون با قانون ایران نیز تعارضی ندارد.

### ج - تسلیم اسناد مربوط به کالا

در بند سوم از مقررات ماده ۳۰ کنوانسیون، با بیع را به تسلیم مدارک مربوط به کالا مکلف نموده است این درحالیست که مطابق ماده ۳۴ همان قانون متذکر شده: «تحویل مدارک مربوط به کالا، باید در زمان و مکان و نیز به شکلی که در قرارداد مقرر شده است صورت پذیرد». درحالی که این الزام در قواعد و مقررات ایران بصورت مستقیم پیش بینی نشده و ظاهراً الزامی در این خصوص برای فروشنده در قواعد ایران وجود ندارد لیکن بنا به مقتضای ذات عقد از متفرعات بیع چنین استنباط میگردد که می‌بایست مدارک کالا از سوی فروشنده به خریدار تحویل شود آنچه‌ای که قانونگذار ایرانی در ماده ۲۲۰ ق.م. متعاملین را به کلیه آثار و نتایج که عرفاً از قرارداد حاصل شود ملزم دانسته است و حتی در ماده ۲۲۵ ق.م متعارف بودن امری در عرف و عادت ولو اینکه در عقد ذکر نشده باشد را به منزله ذکر در عقد دانسته فلذا عقلاً با بیع را به تحویل اسناد به خریدار مکلف می‌نماید زیرا اذن در شیء اذن در لوازم آن نیز می‌باشد همچنین از باب تطبیقی موضوع ماده ۳۴ کنوانسیون که قید تقریر در قرارداد را بنا به اراده طرفین ملحوظ نموده، میتوان مورد را در قواعد ایران به بند ۳ از ماده ۲۳۴ ق.م دایر به شرط فعل که برای طرفین تنظیم کننده قرارداد الزام آور است، منطبق دانست؛ بنابراین میتوان گفت در صورتیکه تسلیم موردی در قرارداد پیش بینی شده باشد جزو آثار عقد و تعهدات با بیع است که مکلف است در زمان و مکان و به کیفیت تعیینی شرایط را در مقابل خریدار ایفا نماید.

### د - مطابقت کالا

دیگر تعهدی که در ماده ۳۵ مقررات کنوانسیون بر عهده با بیع ذکر شده مطابقت کالا با قرارداد است. از این منظر موضوع را در غالب دو عنوان «مطابقت قراردادی» و «مطابقت حکمی» مورد بررسی قرار میدهیم؛ با ملحوظ نظر به بند یک از ماده ۳۵ کنوانسیون که اذعان می‌دارد: «با بیع باید کالایی را تسلیم نماید که دارای مقدار، کیفیت (جنس) و وصف مقرر در قرارداد باشد و نیز به همان ترتیبی که در قرارداد مقرر شده است بسته‌بندی یا ظرف بندی گردیده باشد» نمیتوان نصی صریح مطابق شرح مرقوم در قانون ایران پیدا کرد لیکن از باب شرط صفت مستند به ماده ۲۳۴ ق.م که قانونگذار «کیفیت یا کمیت مورد معامله» را اشاره نموده و همچنین در مادتهای ۳۵۱ و ۳۵۴ همان قانون که با بیع را به تسلیم مبیع مطابق نمونه مکلف کرده از طرفی معطوف به مواد ۳۸۴، ۳۸۵ و ۳۸۵ قانون اخیرالذکر استنباط میگردد با بیع تکلیف دارد مبیع را طبق شرایط عقد بیع با رعایت مقدار و وصف و جنس تسلیم نماید. و اما اگر در قرارداد ناظر به بسته بندی و ظرف بندی شرطی شده باشد فروشنده مطابق قانون ایران مکلف به عمل به شرط است و اگر در قرارداد شرط نشده باشد لکن لازمه تسلیم کالا بسته بندی و یا ظرف بندی باشد به استناد م ۳۶۹ ق.م فروشنده عرفاً مکلف به رعایت آن است؛ که به لحاظ تطبیقی منطبق میگردد بر ذیل ماده ۳۵ که با بیع را ملزم به بسته‌بندی و ظرف بندی مطابق با قرارداد نموده است. در صورتیکه کالا مطابق با قرارداد تحویل نشده باشد لیکن طرفین با تراضی همدیگر آن را بپذیرند مصداق قسمت اول از بند دوم ماده ۳۵ کنوانسیون اطلاق میشود که این موضوع از منظر قانونگذار ایرانی نیز مطابق قاعده «حاکمیت اراده» مورد پذیرش قرار گرفته است؛ اما نظر به اینکه در ادامه ماده ۳۵ کنوانسیون به موردی اشاره شده مبیع منطبق با قرارداد نیست و توافقی هم فیما بین طرفین صورت نگرفته لکن بنا به جهاتی مبیع منطبق با قرارداد محسوب میشود در این موارد موضوع در حکم مطابقت با قرارداد است که تحت عنوان «مطابقت حکمی» اطلاق میشود. بطوریکه در ماده ۳۵ قانونگذار مبیع را با شرایط مقرر در قرارداد منطبق ندانسته لکن آن را مطابق با مقاصد دانسته که عرفاً خریداران بنا به آن شرایط مبیع را خریداری می‌نمایند که با بیع نیز از آن اطلاع حاصل نموده است، در این صورت مشتری نمیتواند تعهد را انجام نشده تلقی نماید و از قبول مبیع استنکاف ورزد.



### هـ- مصونیت کالا از ادعای ثالث

آن چیزی که در مقررات کنوانسیون به عنوان آخرین تعهد فروشنده تعیین و پیش بینی شده این است که مبیع مورد معامله از ادعای شخص ثالث مصون باشد. بدین منظور است که واضع مقررات کنوانسیون در ماده ۴۱ کنوانسیون تصریحاً اعلام داشته: «بایع باید کالایی را که مصون از هر گونه حق یا ادعای شخص ثالث است، تسلیم نماید مگر این که مشتری راضی به دریافت کالایی باشد که موضوع حق یا ادعای شخص ثالث است». با استناد به ماده ۲۶۹ ق.م. بنظر میرسد مقررات صدرالاشاره بنوعی در قواعد قانون مدنی ایران نیز جاری و ساری است آنچنانیکه از مفهوم مخالف ماده اخیرالذکر مبرهن میشود در صورتیکه مالک، کالایی متعلق به دیگری را در مقام وفای به عهد تسلیم نماید، تعهد انجام نخواهد شد. این بحث مستفاد از مواد ۵۳ و ۱۰۲ ق.م. نیز قابل استنباط است. البته از باب رضایت خریدار نسبت به اخذ مبیع متعلق غیر منطبق بر «قاعده اقدام» در قواعد قانونی ایران محسوب میگردد.

### مکان و زمان تسلیم

مطابق ماده ۲۷ کنوانسیون اگر خریدار ملزم نباشد که ثمن کالا را در مکان ویژه دیگری تأدیه کند، ۱- باید آن را: (الف) - در محل تجارت فروشنده. (ب) پرداخت در مقابل تحویل کالا یا اسناد می بایست صورت گیرد، در جایی که تحویل صورت می گیرد به فروشنده بپردازد. ۲- فروشنده باید هر نوع افزایش هزینه ای که لازمه پرداخت ثمن و ناشی از تغییر محل تجارت وی پس از انعقاد قرارداد است را تحمل کند؛ اما ماده ۲۸۰ قانون مدنی، محل انجام تعهد را محل انعقاد عقد می داند مگر اینکه توافق دیگری میان طرفین باشد و یا عرف و عادت نحو دیگری را اقتضا نماید. قاعده اولی در هر دو نظام توافق است و از این جهت مطابقت میان کنوانسیون و قانون مدنی مشهود است اما در صورت عدم وجود توافق قانون مدنی محل انعقاد عقد و کنوانسیون محل تجارت فروشنده را به عنوان محل تأدیه ثمن می شناسد. در خصوص زمان تأدیه ثمن ماده ۵۸ کنوانسیون مقرر می دارد در صورتی که خریدار ملزم نباشد که ثمن را در یک زمان معین تأدیه نماید، مکلف است آن را در زمانی بپردازد که فروشنده کالا یا اسناد کنترل کننده واگذاری مبیع را بر اساس قرارداد با این کنوانسیون در اختیار وی قرار می دهد. فروشنده می تواند تسلیم کالا یا اسناد آن را به خریدار منوط به تأدیه ثمن نماید هرگاه قرار داد متضمن حمل و نقل کالا باشد فروشنده می تواند کالا را با شرایطی ارسال دارد که بموجب آن کالا با استناد کنترل کننده واگذاری مبیع، تحویل خریدار نگردد مگر با پرداخت ثمن. ۳- خریدار تا زمانی که فرصت بازرسی کالا را داشته باشد ملزم به تأدیه ثمن نیست مگر اینکه رویه ای که برای تسلیم کالا یا تأدیه ثمن توسط طرفین بر آن موافقت شده است با چنین فرصتی منافات داشته باشد. قانون مدنی در ماده ۳۶۶ به بیان زمان پرداخت ثمن پرداخته است. باید خاطر نشان ساخت در خصوص زمان تسلیم میان کنوانسیون و قانون مدنی اختلافی وجود ندارد.

### قبض کالا

تفااض کالا بر دو نوع است: ۱- سنتی، ۲- الکترونیکی

برخی کالا که از طریق معاملات آنلاین یا اینترنت خریداری شده، به شیوه های سنتی یا با پست های سریع برای خریدار ارسال می شوند. حمل این گونه کالاها، کاملاً تابع قراردادهای سنتی یا تابع توافق طرفین است. برخی داده ها یا خدمات، قابلیت ارسال الکترونیکی را دارند. از این رو، در برخی معاملات، سفارش کالا یا خدمات به صورت آنلاین و تحویل آن نیز به شیوه الکترونیکی است. تفاوت تحویل کالا به شیوه الکترونیکی با شیوه سنتی این است که در برخی موارد، کالاهای موضوع معامله پیش از تحویل، وجود خارجی مستقل ندارند؛ زیرا این کالاها پیش از معامله وجود نداشته اند و به اعتباری «کالای آینده» نامیده می شوند. بحث «کالای مجازی» نیز مطرح است که تعاریف و مصادیقی از آن بیان شده است. هنگامی که نرم افزاری خریداری می شود، ضبط و استخراج آن به صورت آنلاین و الکترونیکی میسر می گردد. اگر بخشی از فرآیند تجارت الکترونیک در مدل B2C مستلزم تحویل نوعی کالای فیزیکی به خریدار باشد، باید در مدل طراحی شده برای این فرآیند، حتماً به سازوکار مناسب رساندن اقلام خریداری شده به مشتری نیز فکر اساسی کرد. در کشورهای صنعتی دنیا شرکت های بزرگی وجود دارند که در این زمینه تخصص دارند. کسانی که یک تجارت الکترونیکی به راه می اندازند برای تحویل دادن سریع و به موقع کالای خود در محل مشتری، با این شرکت قرارداد می بندند. خوشبختانه در ایران نیز شرکت پست جمهوری اسلامی، به کسانی که قصد فروش کالا از طریق اینترنت را دارند، خدمات ویژه ای با همان کارکرد را عرضه می کند. توجه کنید که در این زمینه، یک پیک ساده، کافی نیست. چنین مقولاتی به پشتوانه های دیگری مانند بیمه شدن کالا در طول مسیر و نیز تحویل سریع کالا نیازمند است تا خرید اینترنتی، در مجموع از حالتی که خود کاربر به سطح شهر برود و حضوری آن کالا را خریداری کند کندتر نباشد.<sup>۷</sup> مطابق ماده ۱۰ کنوانسیون وظیفه خریدار برای قبض کالا شامل موارد ذیل می شود:

الف- انجام کلیه اقداماتی که بطور معمول از وی انتظار می رود بمنظور اینکه فروشنده را قادر نماید تا تحویل را محقق سازد.

ب- تحویل گرفتن کالا در قانون مدنی قبض کالا جزو تعهدات خریدار شمرده نشده است. بلکه به این دلیل که ملکیت به صرف انعقاد بیع انتقال می یابد، قانون مدنی لازم ندانسته مالک را اجبار به قبض ملک خود نماید. در تایید این امر ماده ۱۳۷۵ قانون مالی است که خریدار را مجاز می داند. بدون اجازه فروشنده مبیع را قبض نماید.

### ضمانت اجرای تعهد به تسلیم مبیع در فقه و حقوق ایران،

در قوانین موضوعه ایران و کنوانسیون بیع بین المللی، تسلیم و آثار آن از عوامل بیرونی و پرداخت ثمن و وفای به تعهد، از عوامل درونی آرامش روانی و... برانگیزاننده های اجتماعی است تسلیم مبیع و ثمن و احکام آن در متون فقهی حدود ۳۳ قاعده را به طور مستقیم و غیر مستقیم و در حقوق موضوعه ایران مستقیماً ۱۸ ماده از مواد قانون مدنی را به خود اختصاص داده است. ضمانت اجرای تعهد به تسلیم نیز بر حسب مورد در قالب های مختلفی از قبیل الزام به تسلیم (اجرای عین تعهد)، حق حبس و فسخ و مطالبه خسارت تجلی یافته است. در نظام های حقوقی مورد مطالعه اجبار به تسلیم یا اقدام به اجبار متعهد به حدی مقبول و پذیرفته است که نه تنها آن را مغایر با اصالت و حیثیت انسانی نمی دانند بلکه آن را بسیار طبیعی و منطقی نیز قلمداد می کنند. در عقد بیع بخش اعظم تعهدات مربوط به بایع است و هر تعهد حقوقی یک ضمانت اجرایی را در پی دارد که در صورت نقض آن تعهد اعمال خواهد شد. علاوه بر مقررات حقوق بین الملل، انگاره های کنوانسیون های بین المللی هم می توانند با هدایت نگرش متعادل تر و اخلاقی تر جوامع نسبت به تجارت جهانی دنیا و تفسیر حقایق جدید در بسیاری از زمینه های تجاری روزمره به کار گرفته شوند. لذا کنوانسیون بیع بین المللی کالا (مصوب ۱۹۸۰ وین)، واجد جدیدترین مقررات در خصوص بیع بین المللی است.

### الف- قدرت بر تسلیم و ضمانت اجرایی آن

یکی از شرایط مورد معامله که در واقع آن را از شرایط قانونی قرارداد میدانند؛ مقدور تسلیم بودن آن است بدین مفهوم که انتقال دهنده توانایی تسلیم مورد قرارداد را به منتقل الیه یا متعهد له داشته باشد. ماده ۳۴۸ قانون مدنی بیع چیزی که بایع قدرت بر تسلیم آن ندارد باطل است. «توانایی بر تسلیم در شمار اوصاف مبیع و در کنار خرید» و قابل «مالیت و منفعت عقلایی داشتن» آمده است و قانون گذار در ماده «و فروش بودن ۳۴۸ ق.م. خواسته است خرید و فروش مالی را که بر حسب طبیعت خود نمی تواند در اختیار طرفین قرار گیرد ممنوع سازد» زیرا اگر توانایی شخصی آنان بود، قدرت بر تسلیم بایستی در زمره شرایط دو طرف معامله می آمد.

### ضمانت اجرای تعهد به تسلیم

اجبار به تسلیم یا اقدام به اجبار متعهد به حدی مقبول و پذیرفته است که نه تنها آن را مغایر با اصالت و حیثیت انسانی نمی دانند بلکه آن را بسیار طبیعی و منطقی نیز قلمداد میکنند. «مستفاد از ماده ۵۳۲ ق.م.ت و مواد ۳۸۰ و ۳۷۶ و ۲۳۷ و ۲۳۸ و ۳۷۶ و ۴۷۶ و ۵۳۴ و ۷۷۹ ق.م.ایران»

### اجرای عین تعهد در حقوق ایران

در تمام تعهدات، در صورت عدم انجام تعهد، متعهد له ملزم است ابتدا اجرای عین تعهد را درخواست کند و در صورت عدم امکان اجبار، قرارداد را فسخ کند قانون مدنی ایران قاعده صریح و روشنی در خصوص حق اجبار به اجرای عین تعهد به عنوان ضمانت اجرای تعهدات ندارد. با توجه به اینکه عقد بیع و قواعد عمومی آن به میزان زیادی در سایر عقود و قراردادهای جاری است و اصول کلی حاکم بر این نهاد حقوقی در سایر نهادهای حقوقی قابل اعمال است. این قاعده در ماده ۲۳۷ ق.م. در مورد شروط ضمن عقد و در ماده ۴۷۶ ق.م. در مورد تعهدات اصلی موجر بیان شده است.<sup>۸</sup>

۱- ماده ۴۵۴ قانون مدنی:

«هرگاه مشتری مبیع را اجاره داده باشد و بیع فسخ شود اجاره باطل نمی گردد، مگر اینکه عدم تصرفات ناقله در عین و منفعت بر مشتری صریحاً یا ضمناً شرط شده که در این صورت اجاره باطل است.»

۲- ماده ۴۵۵ قانون مدنی:

«اگر پس از عقد بیع مشتری تمام یا قسمتی از مبیع را حق غیر قرار دهد، مثل اینکه نزد کسی رهن گذارد، فسخ معامله موجب زوال حق شخصی مزبور متعلق نخواهد شد، مگر اینکه شرط خلاف شده باشد.»

از مفاد دو ماده فوق می توان قاعده ای را استخراج کرد که به موجب آن، تصرف طرفی که در اثر عقد مالک شده در موضوع تملیک نافذ است و فسخ بعدی به آن صدمه نمی زند، مگر اینکه بر خلاف این ترتیب، به طور ضمنی یا صریح تراضی شده باشد.

<sup>۸</sup> صفایی، سیدحسین، حقوق بیع بین المللی، ص ۲۲۴

با وجود این، ماده ۴۶۰ قانون مدنی در مورد «بیع شرط» مقرر می‌دارد:

«در بیع شرط مشتری نمی‌تواند در مبیع، تصرفی که منافع خیار باشد، از قبیل نقل و انتقال و غیره، بنماید.» ماده ۵۰۰ قانون مدنی نیز در جایی دیگر اجاره منافی با حق بایع را باطل می‌داند. این مواد ظاهراً با قاعده پیش گفته متعارض به نظر می‌رسد. ولی با اندکی تأمل می‌توان دریافت که در خیار شرط، دو طرف تراضی می‌کنند که خریدار ملک را آماده بازگرداندن به فروشنده نگاه دارد و لازمه مفاد تراضی این است که از تصرف منافی با اعمال خیار بپرهیزد. پس خیار شرط را باید در زمره مواردی آورد که «عدم تصرفات ناقله در عین و منفعت بر مشتری به طور ضمنی شرط شده است.» در حقوق مصر نیز همین برداشت وجود دارد. قانون مدنی آن کشور در ماده ۱۶۰ مقرر می‌دارد: «اگر عقد فسخ شود متعاقبین به حالتی که انگار عقدی وجود نداشته برمی‌گردند...» ماده مذکور قاعده عامی است که نویسندگان آن نظام حقوقی معتقدند در تمام انواع فسخ (قضایی، اتفاقی و قانونی) ناقد است؛ بنابراین فسخ بیع اثر رجعی دارد و این اثر از زمان پیدایش عقد پدیدار می‌شود. در کنوانسیون، مواد ۸۱ و ۸۴ این چنین برمی‌آید که عقد از زمان انعقاد اصولاً عقد از زمان فسخ منحل می‌شود یا از زمان انعقاد. با وجود این به نظر می‌رسد که از روح مواد ۸۱ و ۸۴ این چنین برمی‌آید که عقد از زمان انعقاد منحل می‌شود.

#### ب- امکان مطالبه خسارت در صورت فسخ عقد

کنوانسیون یادآور می‌شود که فسخ بیع مانع مطالبه خسارت از طرف کسی که در نتیجه اهمال و یا تقصیر دیگری خسارتی به او وارد شده نیست، بلکه فسخ بیع و مطالبه خسارت قابل جمع است. بعضی از نظامهای حقوقی این نظر را نمی‌پذیرند. به عقیده آنان اتخاذ دو طریق برای جبران خسارت صحیح نیست، متعاقبین می‌توانند یا عقد را فسخ کنند و یا اینکه مطالبه خسارت نمایند. ماده ۸۱ کنوانسیون مقرر می‌دارد: «فسخ قرارداد هر دو طرف را از وظایف مربوطه مشروط به پرداخت هر گونه خسارتی که قابل مطالبه باشد خلاص می‌نماید...» بنابر اصل مزبور انحلال قرارداد، مشروط به پرداخت هر گونه خسارتی است که شرایط آن جمع باشد. لازم به ذکر است که اگر قرارداد به علت غیر ممکن بودن انجام تعهد فسخ شود (ماده ۷۹ کنوانسیون) فسخ در این مورد مانع از مطالبه خسارت است؛ زیرا در این مورد تقصیری متوجه هیچ کدام از طرفین قرارداد نیست. این قاعده را بسیاری از سیستمهای حقوقی بدون تردید پذیرفته‌اند. بنابراین خریداری که مجبور شده قرارداد بیع را در مورد یک اتومبیل تفریحی چند روز قبل از رفتن به مرخصی به خاطر عدم مطابقت وسیله نقلیه مذکور فسخ کند ممکن است بتواند نسبت به هزینه اجاره ماشین کرایه ای، اقامه دعوی نموده و آن را مطالبه کند. در حقوق ایران در صورتی که در اثر انجام ندادن تعهد یا تأخیر در آن خسارتی به متعهدله وارد شده است و طبق قاعده عقلی، هر کس به دیگری ضرری وارد آورد باید آن را جبران کند، لذا متعهد باید آن را به متعهدله بپردازد. ماده ۲۲۱ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «اگر کسی تعهد به اقدام امری بکند یا تعهد نماید که از انجام امری خودداری کند در صورت تخلف مسئول خسارات طرف مقابل است مشروط بر اینکه جبران خسارت تصریح شده و یا تعهد عرفاً به منزله تصریح باشد و یا بر حسب قانون موجب ضمان باشد.» همچنین ماده ۲۲۶ در مورد امکان مطالبه خسارت مقرر می‌دارد: «در مورد عدم ایفاء تعهد از طرف یکی از متعاملین، طرف دیگر نمی‌تواند ادعای خسارت نماید مگر اینکه برای ایفاء تعهد مدت معینی مقرر شده و مدت مزبور منقضی شده باشد و اگر برای ایفاء تعهد مدتی مقرر نبوده طرف وقتی می‌تواند ادعای خسارت نماید که اختیار موقع انجام با او بوده و ثابت نماید که انجام تعهد را مطالبه کرده است.» از مضمون دو ماده فوق استنباط می‌شود در صورتی که یکی از متعاقبین به تعهد خود عمل نکند طرف دیگر علاوه بر اینکه می‌تواند عقد را فسخ کند (با عنایت به مواد ۲۳۷ و ۲۳۸ و ۲۳۹ ق.م) حق مطالبه خسارت را نیز دارد. با این حال در بعضی موارد متعهد مسئول خسارات وارده نیست:

۱- در صورتی که متعهدله مسبب انجام ندادن تعهد باشد، برای نمونه چنانکه مقاطعه کاری متعهد شود که ساختمانی را طبق نقشه ای معین در ظرف سه ماه به اتمام رسانده و مصالح ساختمانی را متعهدله خود تهیه نماید. اگر شخص اخیر در تهیه مصالح تأخیر کند و در اثر آن ساختمان در مدت سه ماه خاتمه نیابد متعهد مسئول خسارات وارده نیست. یا در خصوص قرارداد بیع نیز چنانچه کارخانه قندی تعهد می‌کند در موعد معین ۱۰ تن قند به خریدار تحویل دهد و خریدار نیز تعهد کند که برای تهیه قندهای مزبور ۳۰ تن چغندر به کارخانه تحویل دهد، اگر بر اثر انجام ندادن تعهد اخیر کارخانه قند به تعهد خود عمل نکند در این صورت خریدار قند نمی‌تواند از کارخانه قند مطالبه خسارت نماید.

۲- در صورتی که انجام ندادن تعهد به واسطه علت خارجی باشد که نتوان به متعهد، مربوط نمود.

بنابراین دو دسته از شرایط علی رغم پایان حیات قرارداد همچنان باقی می‌مانند و میان متعاملین لازم الاجراست:

۱- شروط و قیود مربوط به حل و فصل دعاوی که شامل داوری، مذاکره مجدد (برای رفع تعارضهای ناشی از تغییرات غیر قابل پیش بینی در اوضاع و احوال) و مسایل و شروط مربوط به انتخاب دادگاه باشد. سیستم های حقوق ملی غالباً به اعتبار چنین شروط و قیودی علی رغم فسخ قرارداد اذعان دارند.

۲- همچنین شروط و قیودی که بیانگر آثار و عواقب عدم ایفاء تعهد است؛ مانند شروط راجع به تحدید مسؤلیت اعم از معافیت از مسؤلیت، ازدیاد و یا کاهش مسؤلیت و یا تعیین مسؤلیت تا میزان مشخصی از خسارت و یا تعیین چگونگی استرداد عوضین و یا سایر قیود و شروط مجازاتی. این شرایط با

حاکمیت اراده طرفین قوام یافته و در حقیقت متعاقبین از همان ابتدای انشاء عقد خواسته اند که این شرایط در صورت فسخ قرارداد قدرت الزام آور خود را داشته باشند.

### نتیجه گیری

بیع در لغت به معنای «مبادله مال بمال» است و در اصطلاح به معنای انشاء تملیک عین در مقابل عوض معلوم است و قدمتی به درازای عمر بشر دارد. تمام فقیهان اعم از متقدمین و متاخرین بیع را نوعی داد و ستد می دانند و در قانون مدنی ایران نیز به همین معنا می باشد. بیع در تقسیم بندی اولیه خود به بیع با سیغه و بیع بدون سیغه (بیع معاطاتی) می باشد. قول به عدم صحت بیع معاطات در میان فقهای متقدم، طرفداران نسبتاً زیادی داشته است اما به مرور زمان از میزان آنها کاسته شده به نحوی که امروزه شاید کسی بیع معاطات را باطل نداند. می توان گفت مهمترین عاملی که باعث این تغییر نگرش شده توجه به نیازها و عادات مردم بوده است. فقهای مذاهب مختلف با وجود اختلاف نظری که در میزان و دامنه کاربرد عرف در احکام شرعی دارند در ارتباط با بیع معاطات توجه خاصی به عرف رایج میان مردم مبذول داشته اند. گرچه بررسی دلایل صحت بیع معاطات نشان می دهد که جز عرف به دلایل دیگری چون نصوص کتاب و سنت، اجماع و قاعده رفع حرج استناد شده است اما بررسی دقیق، نمایانگر این موضوع است که آن دلایل نیز ارتباط تنگاتنگی با دلیل عرف دارند. قراردادهای که بیانگر روابط حقوقی بین اشخاص می باشند، یکی از مهم ترین منابع تعهد به شمار می روند، جهت و هدف غایی قراردادها، ایجاد حق و تکلیف برای طرفین قرارداد است، چنانچه این قراردادها قوه الزام آور نداشته باشند یعنی هیچ قوه مانعی وجود نداشته باشد که خسارت زیان دیده از نقض قرارداد را حمایت کند. با بررسی شرایط اجرای احکام در نظام حقوقی مصر و ایران می توان گفت گرچه تفاوتی در خصوص برخی شرایط اجرا میان این دو نظام حقوقی مشاهده می شود این تفاوتها بیشتر از آن که ماهوی باشند به دلیل اختلاف در حوزه برخی مفاهیم مانند نظم عمومی و دایره شمول موضوعات زیر مجموعه آن است، نکته قابل توجه در خصوص هر دو نظام حقوقی این است که ضوابط هر دو بسیار قدیمی است و در مواردی با مقتضیات روابط خصوصی بین المللی امروزه سازگاری ندارد، وجود برخی ضوابط همانند شرط رفتار متقابل مانعی مهم در توسعه ی روابط خصوصی بین المللی است، برای اجتناب از این مشکلات کشورها احکام خارجی را با رعایت ضوابط و شرایطی قابل جمع و اجرا می دانند، در حقوق ایران شرایط اجرای احکام خارجی در ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی ۱۳۵۶ مقرر شده است، قانون گذار مصر نیز در مواد ۲۹۶ و ۲۹۸ قانون آئین دادرسی مدنی ۱۹۶۸ شرایطی را برای اجرای احکام خارجی پیش بینی کرده است. از جمله مسائلی که در بیع دارای اهمیت است لزوم تعیین مبیع و چگونگی آن است، تعیین نشدن مبیع باعث بطلان بیع است، در حقوق ایران مبیع از طریق توصیف و از روی نمونه تعیین می شود در حقوق مصر در کنار تعیین از طریق بیان توصیف، تعیین از راه اقرار مشتری بر علم به مبیع و تعیین از روی نمونه نیز امکان دارد. نظر فقهای شیعه در رابطه با اصل لزوم در بیع متفاوت می باشد، تمامی فقها قائل به تأسیسی بودن لزوم نیستند، بلکه عده ایی مثل محقق قمی و اکثر فقها قائل به تأسیسی بودن لزوم و جواز احکام می باشند و دلیل ایشان «وفوا بالعقود» و دلیل «استصحاب» است. بعضی از علمای اخیر نیز سعی کرده اند از دو مکتب، روش دیگری بوجود آورند و لزوم و جواز عقود را معلول عرف و عادت با دستور شارع بدانند، یعنی هم تأسیسی بدانند و هم امضایی، هر چند که نهایتاً به مکتب اول نزدیکتر شده اند. فقها درباره ماهیت بیع معاطاتی اختلاف نظر دارند و آن را متفاوت تفسیر کرده اند، علامه حلی احتمال بطلان بیع معاطاتی را داده است با این استدلال که حتی موجب اباحه تصرف هم نمی شود، همچنین محقق ثانی آن را بیع متزلزل یعنی جایز دانسته است در حالی که قول مشهور از جمله علامه حلی و شیخ انصاری آن را بیع نمی دانند، این گروه از فقیهان ماهیت بیع معاطاتی را اباحه می دانند که هر یک از دو طرف مال خود را به دیگری اباحه می کند تا او در آن تصرف کند بدون اینکه مال را به او تملیک کند، خواه تصرف یاد شده محض یعنی محدود به تصرفات غیر اتلافی باشد و خواه این تصرف مطلق یعنی نامحدود باشد.

### منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ابادری، منصور، قانون تجارت در رویه قضایی، چاپ اول، ۱۳۸۶، ص ۳۳۰ تا ۳۴۰.
- ۳- امامی، سید حسن، حقوق مدنی، ۱۳۷۳، جلد اول، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامیه.
- ۴- پور مافی، علی حسن، راههای جبران تخلف بایع در کنوانسیون بیع بین المللی کالا و مقایسه آن با حقوق ایران، ۱۳۷۳ پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق.
- ۵- دلیر، کتیون، مطابقت کالا با قرارداد در بیع بین المللی، ۱۳۶۹، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
- ۶- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، دایره المعارف حقوق مدنی و تجارت، ۱۳۵۷، جلد اول، چاپ اول، تهران، نشر بنیاد راستاد، چاپخانه مشعل آزادی.
- ۷- سرمد سعیدی و میرابی (۱۳۸۳): تجارت الکترونیک، تهران: نشر پرسمان، چاپ اول
- ۸- سیستانی، سیدعلی، منهاج الصالحین، ص ۱۷

- ۹- شهیدی، مهدی، سقوط تعهدات، 1386، جلد پنجم، چاپ هشتم، تهران، انتشارات مجد.
- ۱۰- شهیدی، مهدی، تشکیل قراردادها و تعهدات، 1380، جلد اول، چاپ دوم، تهران، انتشارات مجد.
- ۱۱- صفایی و دیگران، سید حسین، حقوق بیع بین المللی با مطالعه تطبیقی، 1384، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۲- صفایی و دیگران، سید حسین، حقوق بیع بین المللی، 1390، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۳- طارم سری، مسعود، اینکوترمز: 2000 قواعد رسمی اتاق بازرگانی بین المللی برای تفسیر اصطلاحات تجاری، 1380 چاپ دوم، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
- ۱۴- عبادی، محمدعلی، حقوق تجارت، ۱۳۸۶، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- ۱۵- فیجان، م (۱۳۸۹). بررسی تطبیقی قواعد انتقال ضمان معاوضی در کنوانسیون بیع بین المللی کالا (وین ۱۹۸۰) و اینکوترمز ۲۰۰۰، ۳۰۱. <http://www.haghgostar.ir/ShowPost.aspx?id>
- ۱۶- قاسمی، محسن، جبران خسارت نقض قرارداد در کنوانسیون بیع بین المللی کالا، حقوق ایران، فرانسه، مصر و لبنان، بهار تابستان 1384، مجله حقوقی بین المللی، شماره 32
- ۱۷- قلی زاده، (۱۳۸۶). تحلیلی بر انعقاد الکترونیکی معاملات، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۴۲، ۱۶۹-۱۷۱.
- ۱۸- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، عقود معین، 1391، جلد اول، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- ۱۹- کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، 1387، جلد سوم چاپ پنجم، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- ۲۰- مبارکی هوشیار، ادريس، 1392 مطالعه تطبیقی تعهد بایع به تسلیم مبیع و کالا، شماره 54.
- ۲۱- معلوف، ل. (۱۳۸۰). المنجد، ج ۱، ص ۱۲۰، مترجم: محمد بندریگی، ناشر: ایران نویت چاپ سوم، چاپ، هاتف تهران.
- ۲۲- نجفی، شیخ محمد حسن، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، 1411 هـ.ق، جلد 23، قم، کتابفروشی علمیه.
- ۲۳- نجفی، شیخ محمد حسن، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، 1324 هـ.ش، جلد 27، نجف و قم، انتشارات خوانساری